

گزارش

پزشکیان: در وضعیت فعلی اکثر استان ها مشکل آب دارند

رئیس‌جمهور گفت: وضعیت آب در کشور جزء مسائل حیاتی و فوری است که اگر نتوانیم مدیریتش کنیم، مشکلاتی در پی دارد که به سادگی قابل درمان نیست.
امسال تابستان مدام دلهره داشتیم اگر آب از طالقان به تهران نرسد، مهرماه آب نداشته باشیم، مسعود پزشکیان با حضور در صحن علنی مجلس و جلسه مشترک با نمایندگان، درباره بررسی وضعیت آبرسانی در کشور اظهار کرد: گزارش‌هایی را که نزدیک به ۸۰ نفر از دانشگاهیان و اعضای هیئت‌علمی به دولت ارائه داده‌اند، در جلسه هیئت وزیران بررسی کردیم. این موارد را هم به نمایندگان مجلس ارائه می‌کنیم تا آنان از این وضعیت اطلاع داشته باشند. وی ادامه داد: وضعیت آب در کشور جزء مسائل حیاتی و فوری است که اگر نتوانیم مدیریتش کنیم، مشکلاتی در پی دارد که به سادگی قابل درمان نیست.
امسال تابستان مدام دلهره داشتیم اگر آب از طالقان به تهران نرسد، مهرماه آب نداشته باشیم، پزشکیان تاکید کرد: وقتی آب از طالقان به تهران منتقل کردیم، یعنی آبی که قبلا به جای دیگری می‌رفت کمتر خواهد رفت که باید این موارد را کنترل کنیم. توسعه در تهران و کرج و اطراف آن و نیز در قزوین به شکلی است که زمین امکان بارگذاری جمعیت بیشتر را ندارد. همه باید به این واقعیت برسیم، رئیس‌جمهوری گفت: اکنون تهران در آلودگی هوا مشکل دارد؛ چون بارگذاری جمعیت زیادی انجام شده است. وی افزود: ما برای بیشتر مسائل از استادان دانشگاه و خبرگان علمی می‌خواهیم به ما کمک کنند تا نسخه بنویسند و بگویند چه کنیم. قوانینی نوشته شده برای کنترل و بهبود مصرف بهینه آب، اما براساس آمارها وضعیت تأمین آب روز به روز بدتر شده است.
قانون مشکل ما را حل نکرده، بلکه بدتر کرده است، پزشکیان با بیان اینکه اگر هر تصمیمی می‌گیریم روند بدتر می‌شود، نباید ادامه‌اش دهیم، تصریح کرد: براساس مطالعات بین‌المللی و گزارش‌های دانشگاهیان و تحقیقات روند کشور از نظر تأمین آب بحرانی است و همه استان‌ها مشکل تأمین آب دارند. این مشکل هم تنها با تقسیم آب حل نمی‌شود؛ اقتصاد، کشت‌وکار، نوع آبیاری و بارگذاری جمعیت و صنعت مشکل دارد و بدون رویه رشد کرده‌اند. رئیس‌جمهوری با تاکید بر اینکه باید با کمک کارشناسان و نمایندگان مجلس بیه راه‌حل برسیم، گفت: آقای کوچک‌زاده می‌گوید ما طرح داریم و می‌توانیم این کار را انجام دهیم. به او گفتیم یک استان یا نه نقطه‌ای را بگیر و مشکلسر را حل کن و اگر حل شد، بگویم این کار انجام شده است. لزومی ندارد با هم در این زمینه‌ها اختلاف داشته باشیم. هرکسی مدعی است می‌تواند مشکل آب را حل کند، بیاید کمک کند. استان یا شهرستانی را انتخاب و مشکل را حل کند. وی افزود: اینکه بگویم ۴۰۰ میلیارد مترمکعب بارندگی داریم- و بگویم آب‌ها را مدیریت نمی‌کنیم، مشکل را حل نمی‌کند. در وضعیت فعلی، اکثر استان‌ها بدون استثنا مشکل آب دارند. استان‌ها به حال دعوا هستند. در اصفهان، چهارمحال‌وختیاری، کهگیلویه‌وبوییراحمد، خوزستان و یزد سر آب دعوا دارند. کسانی که در انقلاب جان و زندگی‌شان را دادند، الان سر آب دعوا دارند و حق هم با آنان است و موضوع هم به سادگی قابل حل نیست. رئیس‌جمهوری یادآور شد: استادان دانشگاه با تیم‌هایشان در چند ماه گذشته بررسی کردند و چارچوب و دستورالعملی دادند و عین ساختاری که در تهران ایجاد شده، قرار است که در ۱۲ منطقه آذربیزی کارشناسان و متخصصان و مدیران نقشه بنویسند. از داده‌ها و اطلاعات بین‌المللی هم در این مسیر استفاده می‌شود. پزشکیان با بیان اینکه نمایندگان مجلس به نخبگان و دانشگاهیان اعتماد کنند تا براساس نظر و کار کارشناسی و مدیریت آنان مشکلات خود را حل کنیم، ادامه داد: اگر چنین روندی را طی نکنیم و کسانی که علم کافی ندارند تصمیم بگیرند، مدیران آن تصمیم‌ها را اجرا می‌کنند و نتیجه هم بدتر می‌شود. چرا قانونی نوشیم و دولت اجرا کرد، اما به‌جای نتیجه‌گرفتن وضعیت بدتر شده است؟ حداقل یک بار هم به خودمان برگردیم و اقداماتمان را ارزیابی کنیم. وی افزود: با این همفکری، همدلی و وحدت و توجه به کار کارشناسی را نه‌فقط در موضوع تأمین آب، بلکه در مسائل محیط‌زیستی، اجتماعی و سیاست خارجی سعی می‌کنیم از ظرفیت و نظرات کارشناسان استفاده کنیم که اگر چنین نکنیم و از دلسوزان بهره نگیریم، نمی‌توانیم از بحران‌هایی که مقابل ماست، خارج شویم. رئیس‌جمهوری در واکنش به برخی انتقاده‌ا در زمینه «برنامه‌ناداشتن دولت»، تصریح کرد: خیلی وقت‌ها در اخبار می‌گویند فلانی (پزشکیان) وقتی صحبت می‌کند می‌گوید هرکس می‌تواند کمک کند و این یعنی دولت برنامه ندارد، ولی ما براساس توان خودمان دقیقاً برنامه‌ها را تا جایی که پول، توان کارشناسی و استطاعت و امکان داریم، اجرا می‌کنیم. پزشکیان ادامه داد: عده‌ای می‌گویند این‌طور نمی‌شود عمل کرد و کار را باید به شکل دیگری درست کرد؛ ما هم می‌گوییم بیا کمک کن؛ کاری را که می‌شود درست کرد واکذار می‌کنیم تا درست‌ش کنیم. مملکت مال من تنها نیست، مال همه ماست. باید این مملکت را درست کنیم. وی تصریح کرد: اگر قرار است مملکت را درست کنیم، هرکس می‌تواند کمک کند بیاید که باز همه نیاز به کمک داریم. این گوی و این میدان، قطعاً اگر استان به استان و شهرستان به شهرستان هرکس مسئولیت قبول کند و مشکل را رفع کند، از تمام بحران‌ها خارج می‌شویم. پزشکیان در پایان سخنانش یادآور شد: تحلیل داخلی و خارجی این است که بحران آب داریم و وضعیت بدتر خواهد شد. همه باید دست به دست هم دهیم و این مشکل را رفع کنیم. هرکس هم که ادعایی دارد که کار را می‌شود به شکل دیگری حل کرد، یک استان را به او می‌سپاریم، کار سختی نیست.

یادداشت

کج‌راه دیپلماسی و جزایر ایرانی



محمود اشرفی

اعراب ساکن کرانه جنوبی خلیج فارس به‌تازگی با مفاهیم اولیه دیپلماسی آشنا شده‌اند. از این رو بسیاری از مواضع سیاسی آنها پایتخته و به‌دور از عقلانیت است. ادعای جعلی امارات متحده عربی درباره سه جزیره ایرانی در این فهرست جای می‌گیرد. دولت مصنوع امارات متحده عربی حاصل سیاست‌های استعماری دست‌اندر کار خلیج فارس است. در اواخر دهه ۶۰ قرن بیستم انگلیس تصمیم گرفت نیروهای خود را از منطقه شرق سوئز خارج کند. در ربای چنین تصمیمی سال ۱۹۷۱ در سرزمینی که در گذشته باراننداز درزان دریایی و بازار برده‌فروشی بود، کشور امارات متحده عربی بدون هیچ‌گونه هویت ملی و تاریخی شکل گرفت. در شرایط کنونی برخی فشارهای بین‌المللی بر ایران که موشکافی علت‌های آن در این نوشتن جایبی ندارد موجب شده امارات متحده عربی دچار کج‌فهمی دیپلماتیک شود. کشور امارات درحالی‌که از هرگونه تنش نظامی هراس دارد، اظهارات نابخردانه‌ای درباره سه جزیره ایرانی خلیج فارس مطرح می‌کند. این در حالی است که دیپلماسی اصولی همواره مبتنی بر عقلانیت است. اما این اظهارات اماراتی‌ها که در قالب دیپلماسی مطرح می‌شود با موازین دیپلماتیک ناسازگار است. دیپلماسی ابزاری برای دوری از تنش‌های نظامی است. تاریخ پرفخار ایران نشان داده که تأمین ارتضی در قافوس ایرانیان امری مقدس است. در انتهای کج‌راه دیپلماتیک امارات تمحده چیزی جز تنش نظامی نخواهد بود. یک رویا‌رویی بزرگ که در ایران پشتیبانی ملی گسترده خواهد داشت و امارات متحده عربی از این واقعیت آگاه است؛ بنابراین موضوع ادعاهای جعلی امارات متحده عربی درباره سه جزیره ایرانی تنها در حد اظهارات اشیانه دیپلماتیک باقی خواهد ماند.

فراز و فرود روابط ایران و اروپا در سال ۲۰۲۵ و چشم‌انداز آن برای سال ۲۰۲۶ در گفت‌وگو با علی ماجدی و جاوید قربان اوغلی

تهران و قاره سبز در نقطه صفر

عبدالرحمن فتح‌اللهی: روابط ایران و اروپا در سال ۲۰۲۵ وارد مرحله‌ای پیچیده و چارچالش شد که ریشه در ترکیبی از تحولات منطقه‌ای و فشارهای بین‌المللی داشت. وقوع جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا علیه ایران و حمایت آشکار کشورهای تروئیکا از اسرائیل موجب بی‌اعتمادی عمیق تهران به اروپا شد. هم‌زمان، سیاست‌های دولت دوم ترامپ، تحریم‌ها و فعال‌سازی مکانیسم ماشه، ظرفیت دیپلماتیک اروپا برای انعطاف عملی در پرونده هسته‌ای ایران را محدود کرد. جنگ اوکراین نیز معادلات امنیتی و انرژی اروپا را پیچیده کرده و توانایی این کشورها برای ارائه راهکارهای عملی به ایران را کاهش داده است. با توجه به این سیر تحولات و تأثیر مستقیم سیاست‌های آمریکا و اسرائیل، به نظر می‌رسد افق روشن و قابل اتکالی برای روابط ایران و اروپا در سال ۲۰۲۶ بعید باشد. تا زمانی که جنگ اوکراین ادامه داشته باشد و ایران وارد مذاکرات مستقیم با آمریکا نشود، این بحران ساختاری در روابط دو طرف پابرجا خواهد ماند. اروپا ممکن است آمادگی ظاهری برای گفت‌وگو نشان دهد، اما توان عملی آن محدود بوده و حل مسائل هسته‌ای و امنیتی ایران بدون تعامل مستقیم با آمریکا تقریباً غیرممکن خواهد بود. از این‌رو به منظور بررسی دقیق روند تحولات در روابط ایران و اروپا طی سال ۲۰۲۵ و ارزیابی چشم‌انداز این روابط در سال آینده میلادی به گفت‌وگویی با دو دیپلمات و تحلیلگر برجسته نشست‌های علی ماجدی، سفیر پیشین ایران در آلمان و ژاپن و از کارشناسان شناخته‌شده حوزه اروپا و سیاست خارجی و جاوید قربان‌اوغلی، سفیر اسبق ایران در آفریقای جنوبی و الجزایر و تحلیلگر باتجربه در عرصه دیپلماسی و مسائل بین‌المللی، این‌کپ‌گفت‌فرستی فراهم می‌آورد تا با نگاهی تحلیلی و موشکافانه، پیچیدگی‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های موجود در روابط تهران و پایتخت‌های اروپایی را واکاوی کنیم و چشم‌انداز احتمالی این مناسبات در سال ۲۰۲۶ را ارزیابی کنیم.

●●●

۲۰۲۵ سالی عجیب و پرتنش در روابط ایران و اروپا بود؛ تا جایی که برخی آن را حتی بدتر از دوران میکونوس می‌دانند. کرچه سفر امچتجان حضور دارند و سفارتخانه‌ها تعطیل نشده‌اند، اما بسیاری معتقدند نوعی ایجاد و بن‌بست در روابط ایران با اتحادیه اروپا و به‌ویژه تروئیکا اروپایی شکل گرفته که به‌سادگی رفع نخواهد شد. در دوره آقای خاتمی با برخی ابتکارات، این ایجاد تا حدی شکسته شد. اما امروز به نظر می‌رسد صبح‌گونه ابتکار عمل مؤثری وجود ندارد. جنگ اوکراین، لابی اسرائیل، فشار دولت ترامپ و همچنین جنگ ۱۲ روزه، همگی بر این وضعیت سایه افکنده‌اند. به نظر شما چه عواملی موجب شد که در سال ۲۰۲۵ به این نقطه در روابط ایران و اروپا برسیم؟

علی ماجدی: برای تحلیل وضعیت کنونی روابط ایران و اروپا، ناگزیر باید به وقایعی که طی سه سال اخیر رخ داده‌اند، توجه کنیم. به اعتقاد من، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دست‌کم در سه دهه گذشته، به‌ویژه پس از پایان جنگ ایران و عراق همواره تحت تأثیر چهار مسئله اصلی بوده است. اول، چهار محور، اگرچه همچنان پابرجا هستند، اما شدت و آثار آنها در مقاطع مختلف متفاوت بوده است. نخست، مسئله هسته‌ای است که ماهیتی امنیتی دارد و بیش از سه دهه ایران را درگیر کرده است. دوم، موضوع حقوق بشر است. سوم، مسئله برد و توان موشکی ایران و چهارم، موضوع نیروهای نیابتی یا به تعبیر دیگر، نقش منطقه‌ای ایران. این چهار عامل، چارچوب کلی تعامل و تقابل ایران با اروپا و غرب را شکل داده‌اند.

در کنار این چارچوب ثابت، از اسفند ۱۴۰۰ به این‌سو، مجموعه‌ای از رویدادهای مهم رخ داده که تأثیر مستقیم و تعیین‌کننده‌ای بر روابط ایران و اروپا داشته‌اند. نخستین و شاید مهم‌ترین آنها، جنگ اوکراین میان روسیه و اوکراین است. بدون اغراق باید گفت که این جنگ، اصلی‌ترین عامل تشدید تنش و کاهش سطح روابط ایران و اروپا بوده است. حتی چین، با وجود نزدیکی راهبردی به روسیه، کوشید موضعی کم‌سروصداتخاذ کند تا برای خود بحرانی نسازد؛ اما متأسفانه موضع‌گیری‌ها و اقداماتی که از سوی ایران صورت گرفت، سبب شد که اروپا ایران را به‌عنوان بخشی از مسئله اوکراین تلقی کند. دومین دسته از عوامل، به برخی وقایع داخلی ایران بازمی‌گردد؛ ازجمله پرونده بن‌زین (آبان ۹۸) و مهسا امینی که اگرچه تأثیر تعیین‌کننده‌ای نداشت، اما از منظر حقوق‌ بشری، به‌ویژه در فضای سیاسی اروپا و در دوره قدرت‌گیری احزاب سبز و سوسیال‌دموکرات، بر نگاه اروپایی‌ها به ایران اثر گذاشت. سومین رویداد مهم، حمله حماس به اسرائیل در مهرماه ۱۴۰۲ و موضع‌گیری‌های اولیه ایران در قبال آن بود. هرچند اقدامات اسرائیل به‌ویژه در غزه به حدی خشن و غیرانسانی بود که صدای بسیاری از کشورها را درآورد، اما در هر حال، حساسیت ویژه اروپا به‌ویژه آلمان درباره امنیت اسرائیل، بر روابط ایران و اروپا سایه افکند. در ادامه، انتخاب مجدد دونالد ترامپ در سال ۱۴۰۳ و بازگشت او به قدرت، سقوط حکومت پشاورا پس در آذر ۱۴۰۳، جنگ ۱۲ روزه در سال ۱۴۰۴ و در نهایت، فعال‌شدن ساوکار «اسنپ‌بک» در مهرماه سال جاری، همگی به‌مثابه زنجیره‌ای از تحولات، وضعیت کنونی را رقم زدند. نکته مهم این است که ما در داخل کشور معمولاً بر این باوریم که مواضع‌مان حق و درست است. ممکن است از منظر خودمان نیز چنین باشد، اما مسئله اصلی در سیاست خارجی، درمک نگاه و معیارهای طرف مقابل است. جهان امروز براساس منطق قدرت و منافع عمل می‌کند و اروپا نیز از این قاعده مستثنا نیست. پس از پایان جنگ ۱۲ روزه و فعال‌شدن اسنپ‌بک، موضع اروپا به‌روشنی این بود که حل‌وفصل پرونده ایران بدون مذاکره مستقیم با ایالات متحده ممکن نیست. این امر این می‌دهد که اروپا دیگر حتی توان و استقلال نسبی گذشته را هم ندارد. بدامان نرود که حتی در دوران پیشین نیز اروپا نتوانست وعده‌های خود را در قبال ایران عملی کند. امروز اروپا در سطح جهانی تضعیف شده است؛ اتحادیه‌ای که زمانی رؤیای تبدیل‌شدن به قدرت سوم جهان، پس از آمریکا و چین را در سر می‌پروراند، اکنون فاقد ابزارهای مؤثر برای تحقق این هدف است. اختلافات اروپا با آمریکا، به‌ویژه بر سر اوکراین، این ضعف را آشکارتر کرده است. در چنین شرایطی، فعال‌شدن اسنپ‌بک یا حتی توانی نوعی امتیازدهی اروپا به ترامپ دانست؛



علی ماجدی

جواد قربان‌اوغلی

نقل‌قولی از یکی از دیپلمات‌های برجسته جهان را یادآور شوم که خود شاهد آن بودم. هنگامی که سفیر ایران در الجزایر بودم، در بحبوحه بحران نیروهای اسلامی و تقابل آنها با دولت؛ که انتخابات مجلس را برده بودند و سپس با مداخله نظامی مواجه شدند، آقای اخضر ابراهیمی به وزارت خارجه رسید. اولین سفیری که پس از معرفی رسمی‌اش با او ملاقات کرد، این‌جانب بودم. در پایان آن دیدار، ایشان به طور خصوصی به من گفتند که «ایرانیان قهرمان از دست‌دادن فرصت‌ها هستند».

برای توضیح این سخن، به دو نمونه تاریخی اشاره کردند. نخست، پایان جنگ ایران و عراق بود؛ چون ایران دقیقاً زمانی جنگ را خاتمه داد که هیچ گزینه‌ای جز پذیرش قطع‌نامه باقی نمانده بود، درحالی‌که می‌توانست در اوج قدرت، با شرایط مطلوب‌تری صلح کند. دوم، ماجرای گروگان‌های آمریکایی؛ یعنی ایرانی‌ها گروگان‌ها را دقیقاً زمانی آزاد کرد که دیگر ارزش سیاسی چندان‌ی برای آمریکا نداشتند و عملاً از حیز انتفاع خارج شده بودند. امروز نیز بسیاری این تغییر را به کار می‌برند، اما شنیدن آن از زبان چنین شخصیتی، تأثیری عمیق‌تر دارد.

اکنون به سؤال شما بازمی‌گردم. بارها تأکید کرده‌ام و در همین روزنامه «شرق» نیز نوشته‌ام که برجام یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای تاریخ دیپلماسی ایران پس از انقلاب بود. ما در برابر پنج قدرت دائم شورای امنیت پیروز شدیم؛ چتر امنیتی از سر ایران برداشته شد، فضای عادی‌سازی روابط با جهان فراهم شد و هجوم شرکت‌های اروپایی و حتی علاقه آمریکایی‌ها را شاهد بودیم. اما همان‌طور که آقای ابراهیمی (وزیر خارجه اسبق الجزایر) گفت، ما قهرمان از دست‌دادن فرصت‌ها هستیم. ترامپ که پیش‌تر اعلام کرده بود، از برجام خارج شد. ما برخلاف وعده آتش‌زند توافق، به همکاری با آژانس ادامه دادیم و ۱۶ گزارش مثبت دریافت کردیم، اما شرایط جهانی تغییر کرده بود. استراتژی ایران از ابتدای انقلاب، رابطه با غرب بدون آمریکا بود؛ یعنی تمرکز بر اروپا به‌عنوان نماد قدرت اقتصادی، فناوری و سیاسی. این سیاست اجماعی حکومتی داشت و در اسناد بالادستی نیز منعکس بود. بحران میکونوس ضربه شدیدی وارد کرد، اما با ابتکار ایران و درک اروپا از اهمیت ژئوپلیتیک ایران، روابط احیا شد. اروپا همواره اراده‌ای برای حفظ روابط نرمال با ایران نشان داد و سران‌نظام نیز بر جدی‌گرفتن اروپا تأکید داشتند. اما چه شد که به این نقطه رسیدیم؟ به نظر من دو عامل اصلی دخیل بودند. نخست، تأثیر ویرانگر جنگ اوکراین بر روابط ایران و اروپا. این جنگ، نه تنها روسیه با آمریکا، بلکه جنگ روسیه در حیاط‌خلوت اروپا بود. اروپا با ۲۷ عضو اتحادیه و کشورهای همسایه در انرژی، امنیت، اقتصاد، تورم و مهاجرت آسیب جدی دید. ایران که براساس اسناد باید بهترین روابط را با اروپا (بدون آمریکا) داشته باشد، با موضع‌گیری و حمایت تسلیحاتی، در کنار روسیه قرار گرفت. این اعتقاد من، دومین اثرش بزرگ جهان (روسیه) بازی به چند پهباد یا موشک ایران نداشت؛ مسئله بازیگری بود. قرارگرفتن در کنار روسیه در حیاط‌خلوت اروپا، بزرگ‌ترین ضربه را به روابط ما زد. ما به این جنگ کشانده شدیم و این عامل اصلی تغییر موازنه بود. عامل دوم، شرایط داخلی ایران بود. اروپا همواره نسبت به حقوق بشر حساس بوده، اما این مسئله هرگز فاکتور تعیین‌کننده نبود. گفت‌وگوهای اتحادی از ۲۰۰۷ وجود داشت، اما روابط را به بن‌بست نمی‌کشاند. آلمان که بیشترین حجم تجارت را با ایران داشت....

ولی اکنون بدترین روابط را دارد.

بله. تحول واقعی از زمان جنگ اوکراین و سپس رویدادهای داخلی که «زن، زندگی، آزادی» معروف شد، آغاز شد. این رویدادها شکاف عمیقی در جامعه ایران ایجاد کرد و ایرانیان مقیم اروپا که پیش‌تر لابی‌گر ایران بودند و علی‌رغم اختلاف‌ها، در بزنگاه‌ها خصومتی نشان نمی‌دادند، به مخالفان فعال تبدیل شدند. اینان در پارلمان اروپا و کشورهای اروپایی لابی مؤثری علیه ایران انجام دادند و ضربه‌ای سنگین وارد کردند. عامل سوم، مسئله هسته‌ای است. وقتی ترامپ در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد، اروپا شدیدترین انتقاده‌ا را کرد و تلاش گسترده‌ای ازجمله اینستکس، برای حفظ آن انجام داد. لابی قدرتمند اسرائیل و هژمونی آمریکا مانع شد. پس از خروج ترامپ، ایران نیز تعهدات خود را کاهش داد و این، همراه با قدرت‌گیری جناح‌های راست در اروپا و لابی اسرائیل، زاویه اروپا با ایران را تشدید کرد. به اعتقاد من، در ۲۰۰ سال گذشته، روابط ایران و اروپا هرگز به این درجه از تیرگی نرسیده بود. اروپا اکنون می‌گوید با آمریکا مذاکره کنیم». این سخن دیپلماتیک است؛ یعنی بدون توافق ایران و آمریکا، دست اروپا بسته می‌ماند. همان‌طور که پس از خروج ترامپ نتوانست برجام را حفظ کند.

علی ماجدی: پرسش مهم این است که چرا ما اساساً از مذاکره پرهیز می‌کنیم؟ اینکه در میانه مذاکرات حمله‌ای صورت گرفته، امری نادرست و محکوم است، اما آیا پاسخ آن کنارگذاشتن مذاکره است؟ ما نشان داده‌ایم که توان دفاع نظامی داریم؛ پس می‌توان با پشتوانه این قدرت، وارد مذاکره شد

برجام را حفظ کند.

خبر

قالبیاف: مشکلات مردم با تعامل دولت و مجلس حل می‌شود

رئیس مجلس گفت: حل مشکلات مردم در یک تعامل درست و همدلانه با رعایت حدود و اختیارات قانونی بین دولت و مجلس انجام می‌شود و بدون همدلی نمی‌توان مشکلات را حل کرد و در این مسیر منبای ما باید قانون باشد.
صبح دیروز جلسه غیرعلنی مجلس برای بررسی اقدامات و تدابیر دولت درباره حفظ قدرت خرید آحاد مردم و تأمین و توزیع مناسب مایحتاج عمومی و کالاهای اساسی و نحوه اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی و نظارت بر قیمت خدمات و کالاهای مدیریت نوسانات ارزی با حضور رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر اقتصاد، وزیر رفاه، وزیر جهاد کشاورزی، وزیر صمت و وزیر دادگستری برگزار شد.
محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در پایان جلسه غیرعلنی گفت: حل مشکلات مردم در یک تعامل درست و همدلانه با رعایت حدود و اختیارات قانونی بین دولت و مجلس انجام می‌شود و بدون همدلی نمی‌توان مشکلات را حل کرد و در این مسیر منبای ما باید قانون باشد. در این جلسه تعدادی از نمایندگان و رؤسای کمیسیون‌های تخصصی به بیان مطالبات مردم درباره اوضاع معیشتی، شرایط اقتصادی کشور و بازار ارز پرداختند و مشخصاً پنج موضوع اساسی کشور و مرتبط با معیشت مردم شامل اجرای طرح جدید کالابرگ، تأمین نهاده‌ها، کنترل بازار حمایت از تولیدکنندگان به صورت چالشی، و دلسوزانه میان دولت و مجلس مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

مجلس خود را در کنار دولت و کمک قوه مجریه می‌داند

تأکید نمایندگان و رئیس مجلس بر حل مشکلات مردم و بهبود شرایط اقتصادی و معیشت بود و اینکه شرایط خود را نهادی در کنار دولت و کمک قوه مجریه می‌داند. اعضای دولت نیز با اشاره به تشکیل کمیته پنج‌نفره برای بهبود شرایط اقتصادی و معیشت مردم بیان داشتند که به پیشنهاد این کمیته، دولت یک مصوبه ۱۷‌بندی برای بهبود معیشت مردم، ارائه کالابرگ به شیوه جدید، کنترل بازار ارز، ایجاد شفافیت در تراستی‌ها، اصلاح فرایند واردات کالاهای اساسی، اصلاح جدی ترانزانه بانک‌ها با هدف تقویت تولید، اصلاح بودجه با هدف کنترل و کاهش تورم، رشد سرمایه‌گذاری و... نهایی و اجرای آن را آغاز کرده است.
سخنگوی هیئت‌رئیس مجلس هم با اشاره به جزئیات جلسه غیرعلنی گفت: این جلسه درباره حفظ قدرت خرید آحاد مردم، تأمین و توزیع مناسب مایحتاج عمومی و کالاهای اساسی، نحوه اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی، نظارت بر قیمت خدمات و کالاهای و همچنین مدیریت نوسانات ارزی تشکیل شده است. عباس گودرزی همچنین توضیح داد که این نشست با هدف به اشتراک‌گذاری داده‌ها و اطلاعات از وضعیت کشور بین دولت و مجلس و همچنین رسیدن به یک فهم مشترک برای برنامه‌ریزی برای حل مسائل برگزار شد. او با بیان اینکه در برخی موارد بودجه نیاز به اصلاح دارد، افزود: به طور مثال دولت افزایش حقوق را در بودجه سال آتی ۲۰ درصد دیده است. قطعاً مجلس پای ۲۰ درصد افزایش حقوق نخواهد ایستاد و حتماً اصلاح خواهد کرد. ما معتقد هستیم اگر در جایی درآمد حاصل می‌شود باید به جیب و سفره مردم برود.

مصوبه ۱۷‌بندی دولت برای بهبود وضعیت معیشتی مردم

براساس گزارش ارائه‌شده در این جلسه، دولت برای اجرای کالابرگ به شیوه جدید در سه‌ماهه پایان سال ۲۰۵ میلیارد دلار اختصاص داده و قرار است ادامه اجرای طرح کالابرگ به شیوه جدید در بودجه ۱۴۰۵ با تأمین منابع لازم انجام شود. وزیر کار نیز برای مهیاوبدن زیرساخت‌های لازم در اجرای کالابرگ به شیوه جدید به مجلس تضمین داد. همچنین طبق گزارش بانک مرکزی و کمیسیون اقتصادی مجلس، در ۹‌ماهه اسمال بیش از ۱۰ میلیارد دلار ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی تخصیص پیدا کرده اما براساس گزارش‌هایی که در این جلسه ارائه شد این ارز به دلیل ناکارآمدی و زمینه فساد به هدف اصلیت نکرده و نتوانست جلوی گرانی کالاهای اساسی را بگیرد؛ لذا ضرورت دارد شیوه پرداخت آن اصلاح و برای کمک به معیشت مردم به انتهای زنجیره یعنی مردم پرداخت شود.